

همسالان و دوستان



اجتماعی شدن کودکان

اندک است و در حد چند دقیقه بازی با یکدیگر باقی می ماند (ماسن و همکاران، ۱۳۶۸).

در سنین دبستانی و پیش دبستانی، کودکان علاقه مند به برقراری ارتباط با همسالانی اند که شاد و زیبا باشند و اسباب بازی ها، خوراکی ها و وسایل خود را در اختیار آن ها قرار دهند. ارتباط ها و دوستی های این دوره حالت موقت و گذرا داشته، به سرعت شکل می گیرند و سریعاً تغییر می کنند. ویژگی های ارتباطات خاص این دوره تقریباً مطابق رشد اخلاقی کودکان این دوره است (پیش قراردادی). کودک پایبندی مداوم به ارتباطات خود ندارد، به راحتی دوستانش را کنار می گذارد بدون این که علت خاصی وجود داشته باشد و درک عمیقی از دوستی، صمیمیت و ارتباط متقابل ندارد (شاتنر، ۱۹۸۳).

در سال های میانه و پایانی کودکی ارتباط ها بر اساس کمک به یکدیگر و رفع نیازهای هم شکل

همسالان و دوستان از مهم ترین منابع اجتماعی شدن کودکان و نوجوانان به شمار می آیند. آن ها از طرق مختلف بر یکدیگر تأثیر می گذارند و از یکدیگر تأثیر می پذیرند. محققان متعدد علاقه زیادی نسبت به ارتباط بین همسالان و دوستان نشان داده و از آن به عنوان ارتباط افقی یاد کرده اند، یعنی ارتباطی که در بین افرادی نسبتاً هم سطح از لحاظ سنی، طبقه اجتماعی، تحصیلی، اقتصادی و ... برقرار است (بوریک و تومباری، ۱۹۹۵).

تا قبل از یک سالگی به ندرت ارتباطی معنی دار بین کودکان برقرار می شود. کودکان ده ماهه به گونه ای با یکدیگر برخورد می کنند که انگار عروسک اند، برای هم صدا در می آورند، موهای همدیگر را می کشند یا اعتنایی به یکدیگر نمی کنند. از حدود دو سالگی به بعد اولین ارتباط های معنی دار میان کودکان ایجاد می شود. البته دوام این ارتباط ها بسیار

می گیرند و اعتماد به هم نقشی مهم در تداوم آن ایفا می کند. کودکان در کی ذهنی از دوستی پیدا می کنند و دوستان تنها اشخاصی نیستند که با هم بازی می کنند، بلکه کسانی اند که ویژگی ها و مشترکات خاصی بین آن ها برقرار است که یکی از آن ها دوست داشتن همدیگر است (فلاول، ۱۹۸۵).

در دوران نوجوانی، همسالان مهم ترین نقش را در فرایند اجتماعی شدن فرد بازی می کنند. نوجوانان برای

و نوجوانان

این که بتوانند هویتی مستقل از والدین پیدا کنند باید ارتباطی صمیمی و متقابل با همسالان خود برقرار

نمایند. ارتباط و دوستی دوران نوجوانی دارای این مشخصه هاست: دوستان یکدیگر را درک می کنند، افکار و احساسات عمیق و درونی خود را با یکدیگر در میان می گذارند، برای حل مسائل و مشکلات روانی خود به یکدیگر کمک می کنند و سعی دارند باعث دردسر و مشکل برای دوستانشان نشوند. سازگاری علائق و شخصیت دو نفر ملاک انتخاب دوست است و پایان دوستی منوط به عهد شکنی و عدم وفای به عهد یکی از دوستان است (فلاول، ۱۹۸۵).

تحول و تغییر در استدلال های پنهان مربوط به دوستی با فرد یا اشخاص خاص، با افزایش سن تغییر می یابد. در اولین مرحله رشد دوستی و ارتباط، معمولاً استدلال نهان در ارتباط بین دو کودک، نزدیکی فیزیکی آن ها به همدیگر است. یعنی این دوجه این دلیل ساده با هم دوست اند که همسایه، دوست خانوادگی، هم مدرسه یا هم کلاس اند. در مرحله دوم کودکان برای این با هم دوست اند که همسایه، هم کلاس، هم مدرسه و



دوست خانوادگی بوده، در ضمن قادرند نیازهای همدیگر را به بهترین وجه رفع کرده، به هم اعتماد کنند. اما در مرحله سوم دوستی، مهم ترین اصل و دلیل برای دوستی نوجوانان شباهت و ویژگی های شخصیتی، قابل اعتماد بودن دو دوست و پای بندی طرفین به ملاک های مورد قبول در خصوص دوستی است. در

همین حال ممکن است نوجوانان با هم همسایه، هم کلاس یا هم مدرسه باشند یا نباشند.

تأثیر ارتباط و دوستی بر کودکان و نوجوانان

دوستان و همسالان علاوه بر این که از عوامل مهم اجتماعی شدن فرد به شمار می آیند، روی یادگیری، پیش رفت تحصیلی و مهارت های

کلامی فرد نیز مؤثرند. از مهم ترین آثار مثبت همسالان، از بین بردن خودمداری (یا خود میان بینی حالتی است که در آن کودک قادر به لحاظ کردن دیدگاه های دیگران نیست و فقط از نظر و دیدگاه خود به مسائل نگاه می کند) در کودکان دوره پیش عملیاتی (حدود ۶-۲ سالگی) است. ارتباطات و تعامل بین همسالان به کودک نشان می دهد که آن ها دیدگاه مخصوص به خود دارند و دوستشان دیدگاه دیگری دارد. پیازه مهم ترین عامل را در از بین بردن خودمداری، ارتباط همسالان می داند.

در محیطی که همسالان ارتباط صحیح و مناسب با هم دارند، مهارت های اجتماعی مهم مانند همکاری، رقابت و صمیمیت آموخته می شوند. در چنین شرایطی نه تنها یادگیری افزایش می یابد، بلکه رفتارهای اجتماعی مناسب نیز رشد می کند. ناتوانی در برقراری رابطه مطلوب بین همسالان موجب طرد و عدم محبوبیت می شود. شواهد پژوهشی نشان می دهند که دانش آموزان مطرود و فاقد ارتباط افقی سالم، پرخاشگرترند و رفتارهای نامناسب دارند، پیش رفت

تحصیلی و انگیزش آن ها اندک است و از اختلالات هیجانی، اضطراب و افسردگی بیش تر رنج می برند (بورخ، و تومباری، ۱۹۹۵).

اگرچه ارتباط و دوستی بین همسالان در تمام دوران کودکی حائز اهمیت است، اما به علت گرایش بسیار شدید نوجوانان به گروه و همسالان، در این دوره

مهم ترین اصل و دلیل برای دوستی نوجوانان شباهت و ویژگی های شخصیتی، قابل اعتماد بودن دو دوست و پای بندی طرفین به ملاک های مورد قبول در خصوص دوستی است.

اهمیت بیش تری می یابد. دوستی دوره کودکی، تنها رفاقت ساده ای است که بر اثر اشتراک عادات و مشغولیات و به خصوص بازی ایجاد می شود. از حدود ۱۱ سالگی به بعد این دوستی ها محکم تر و جنبه انتخابی آن ها بیش تر می شود. در دوره بلوغ و نوجوانی دوستی ریشه عمیق تر می یابد و با شور و هیجان توأم می شود. در این دوران، دوست

حامی من یا به عبارت صحیح تر، یک من دیگر است و مانند آینه تصویر اطمینان بخشی به نوجوان می نمایاند. به همین سبب پیوندهای دوستی در شخصیت نوجوان تأثیر بسیار می گذارند و قطع آن ها موجب وارد آمدن لطمه به شخصیت نوجوان می شود (احدی، محسنی، ۱۳۷۰). دوستان نزدیک از طرفی به رشد نوجوان کمک می کنند و از طرف دیگر این امکان را فراهم می آورند که احساسات سرکوب شده خود اعم از خشم و هیجان را ابراز کند و نوجوان در می یابد که دیگران هم امیدها و ترس هایی نظیر او دارند. دوستی های نزدیک به نوجوانان این آزادی را می دهد که از یکدیگر انتقاد کنند و به همین دلیل می آموزند که رفتار، علائق یا عقاید خود را اصلاح کنند، بی آن که از سوی سایرین طرد شوند. این نوع دوستی ها به نوجوان کمک می کند تا هویت خود را پیدا کنند، احساس اعتماد به نفس کرده، به هویت خود افتخار نمایند. دوستی های دوره نوجوانی چون با عواطف و احساسات شدید توأم اند، زودتر از بین می روند. نوجوانانی که مشکلات شخصی بسیار دارند به دوستان نزدیک نیازمندترند، اما توانایی چندانی برای

دوستی‌های کودکان دخالت و اعمال نظر می‌کند و حتی در مورد نوع ارتباط و میزان ارتباط برای فرزندان خود حد و حدودی مشخص می‌نماید. اما در دوران نوجوانی، پیوند بین والدین و نوجوانان شروع به ضعیف شدن می‌کند و در مقابل ارتباط بین همسالان و دوستان افزایش می‌یابد. اغلب پدران و

همسالان امکانات یادگیری مهارت‌های اجتماعی، کنترل رفتار، انتقال ارزش‌های اجتماعی، کمک به رشد هویت فردی و استقلال از والدین را فراهم می‌آورند.

حفظ دوستی ندارند. با ثبات‌ترین نوع دوستی هم بین نوجوانان گاهی شدت و ضعف پیدا می‌کند، به این دلیل که هر یک از طرفین در دوره‌ای است که نیازها، احساسات و مشکلاتش مدام تغییر می‌کند (ماسن و همکاران، ۱۳۶۸).

تجارب همسالان در دوران کودکی و نوجوانی با سازگاری بعدی آن‌ها مرتبط است.

کسانی که در دوران کودکی و نوجوانی دچار مشکلات ارتباطی (اعم از ضعف در برقراری ارتباط، ارتباط بیمارگون و...) باشند در بزرگسالی نیز مشکلاتی مانند اختلال شخصیت دوری‌گزین، بزهکاری، پرخاشگری و رفتارهای ضداجتماعی خواهند داشت (کراگر، ۱۹۹۶).

در کل، همسالان امکانات یادگیری مهارت‌های اجتماعی، کنترل رفتار، انتقال ارزش‌های اجتماعی، کمک به رشد هویت فردی و استقلال از والدین را فراهم می‌آورند.

والدین و روابط همسالان

در دوران کودکی و پیش از نوجوانی فرد وابستگی عمیقی به خانواده دارد و کلیه تعاملات و ارتباطات وی در چارچوب و تحت نظر خانواده صورت می‌گیرد و به علت عدم تداوم دوستی‌ها، ارتباط همسالان هیچ مشکلی ایجاد نمی‌کند. خانواده کنترل مستقیم روی رفتارها و ارتباطات فرزند خود با سایر دوستان اعمال می‌کند، به راحتی در



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



مادران این نفوذ فزاینده را تهدیدی برای خود به حساب می‌آورند و معتقدند که ارتباط زیاد فرزندان آن‌ها با دوستان و همسالانشان ممکن است به ارزش‌های خانوادگی آسیب برساند، یا محبت و عشق را که حق آن‌هاست و باید فرزندان نثار آن‌ها کنند از آنان دریغ می‌کند. اما، چنین نیست. تحقیقات متعدد ثابت کرده‌اند که

همسالان ارزش‌های خانواده را تأیید می‌کنند. گرچه ممکن است همسالان برخی مسائل را بزرگ کنند و بر اختلاف سلیقه بین والدین و فرزندان بیفزایند، به ندرت می‌توانند مشکل آفرین شوند. اعمال کنترل شدید و دخالت‌های نابجای والدین در ارتباطات سالم فرزندان خود مهم‌ترین عامل مشکل‌ساز است. والدین می‌توانند با ایجاد ارتباط قوی (از طریق درک نیازهای نوجوانان، اشتیاق در کمک به آن‌ها و اجازه دادن برای بروز احساسات خشم، خصومت، محبت و عشق آن‌ها) با فرزندان خود، نظارت و کنترل غیرمستقیم بر دوستی‌ها و

ارتباطات آن‌ها اعمال نمایند و در ضمن موضع برتر خود را نزد نوجوان حفظ کنند. شک کردن به دوستی‌های سالم بین نوجوانان باعث بروز اختلاف بین والدین و فرزندان و حرارت بخشیدن به دوستی خواهد شد. اگر والدین به نوجوانان فرصت دهند تا با همسالان خود مشکلات ناشی از بلوغ را حل کنند، از حرارت وحدت ارتباط‌هایشان کاسته خواهد شد. بهترین روش برای کنترل ارتباطات نوجوان این است که والدین طی مراسمی یا یک دعوت ساده با دوستان آن‌ها آشنا شوند و بفهمند دوست آن‌ها کیست. اطلاع از علائق و خواست‌های دوست نوجوان می‌تواند به اولیا کمک کند تا فرزندشان را بهتر درک کنند. در موارد بسیاری علت گرایش بیش از حد نوجوان به همسالان ناشی از توجه ندیدن در خانواده است. توجه و محبت کافی به فرد که متناسب با سن وی باشد و او را به دوران جوانی و بزرگسالی رهنمون شود بهترین نوع

اعمال کنترل شدید و دخالت‌های نابجای والدین در ارتباطات سالم فرزندان خود مهم‌ترین عامل مشکل‌ساز است.

توجه است. نوجوان در این سن مشاور است و دارای آن پختگی عقلی است که بتواند در مورد مسائل خود تصمیم

گیرد و در سایر تصمیم گیری های خانواده شرکت کند. این برخورد به نوجوان کمک خواهد کرد تا ضمن رسیدن به استقلال، در کسب یک هویت موفق توفیق یابد.

خلاصه و جمع بندی

کودکان و نوجوانان برای رسیدن به رشد اجتماعی مطلوب باید با همسالانشان

ارتباط مناسب برقرار کنند. همسالان می توانند از طریق الگوسازی و تعامل هم سطح با یکدیگر، ارزش های اجتماعی را به همدیگر انتقال دهند و نقطه اتکایی برای یافتن استقلال و از بین بردن خودمداری ایجاد کنند. در این بین، والدین باید تسهیل کننده روابط بین همسالان باشند و موقعیت و شرایط ارتباط درست و صحیح فرزندانشان با همسالان خود را فراهم سازند.

در کل، ارتباط افقی، مثبت و مطلوب بین همسالان می تواند متضمن موارد زیر باشد:

• آنان برای همدیگر احساس امنیت عاطفی و حمایت فراهم می کنند.

• آن ها می توانند الگوی همدیگر قرار گیرند. برای الگو قرار گرفتن و تقویت رفتارهای یکدیگر، امکان دارد همسالان اعمالی را تقویت کنند که با ارزش های بزرگ ترها هماهنگ باشد یا برعکس.

• آنان در بسیاری موارد، برای همدیگر حکم معیارهای بهنجاری را پیدا می کنند که موفقیت و شکست را می توان نسبت به آن ها سنجید.

• آنان به اشکال رسمی و غیررسمی مهارت های اجتماعی بسیاری را به هم می آموزند.

• در بازی و بحث، آنان به یکدیگر فرصت تمرین ابراز وجود داده، نقش ها و رفتارهای گوناگون را برای هم تشریح می کنند.

والدین باید تسهیل کننده روابط بین همسالان باشند و موقعیت و شرایط ارتباط درست و صحیح فرزندانشان با همسالان خود را فراهم سازند.

• همسالان با حمایت خود می توانند از شدت وابستگی دوستانشان به خانواده بکاهند.

• آنان می توانند از فشار اجتماعی که بزرگ ترها به آن ها تحمیل می کنند بکاهند و در برخی موارد یکدیگر را در مقابل تهدید و اجبار بزرگ ترها حمایت کنند.

منابع:

- احدی، حسن و محسنی، نیکچهره: روان شناسی رشد: مفاهیم بنیادی در روان شناسی نوجوانی و جوانی، نشر بنیاد، تهران ۱۳۷۰.

- ماسن و همکاران، هنری: رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، نشر مرکز، تهران ۱۳۶۸.

- BORICH, G.D. & TOMBARI, M.L. (1995). EDUCATIONAL PSYCHOLOGY : A CONTEMPORARY APPROACH . NEWYORK: HARPER COLLINS COLLEGE PUBLISHERS.

- FLAVELL, J.H. (1985). COGNITIVE DEVELOPMENT . NEW JERSY : PRENTICE - HALL, INC .

- KROGER , J. (1996). IDENTITY IN ADOLESCENCE : THE BALANCE BETWEEN SELF AND OTHERS. NEW YORK : ROUTLEDGE INC.

- SHANTZ, M. (1983). SOCIAL COGNITION: HAND BOOK OF CHILD PSYCHOLOGY. NEW YORK: WILEY.